

م.ش . ف — روع

14-06-2013

تابو شکنی

برای آنکه جرأت آنرا پیدا کنیم تا به تابو شکنی بپردازیم ، لازم است تا اول از همه بدانیم تابو چیست و با کدام پندارها و پدیده های دیگر همخوانی دارد و یا از آنها پایه و پیرایه می گیرد. علماء و دانشمندی مانند زیگموند فروید ، ویل اریل دورانت ، برتر اندرسل، کارل گوستاو یونگ و ... در باره نظریات و تعاریفی داده اند که تقریباً همه با هم در ادراکات خود شبیه بوده و هم در مواردی قسماً یکدیگر را نقد هم کرده اند و در لغت نامه ها هم به معانی مشابهی تشریح شده است.

از خلال نظریات شان چنین پی می بریم :

تابو و تابو آفرینی ، خرافه (ج آن خرافات) توتم و توتم پرستی، اسطوره و اسطوره آفرینی همه در یک جهت عمل کرده و با حیات انسانهای اولیه هم عمر است، بعضاً تا سرحد باور ها و اعتقادات دینی و مذهبی رشد کرده و قسماً با تکامل دین و یا با انکشاف علم و عقلانیت خشکیده است و یا با پیشرفت علم در سایه قرآن و دانش و تجربه زرد و زار شده و در حال پژمردن است .

خرافه که ابتدا از پندار فرد با نفوذی نشأت کرده و رفته رفته جان گرفته و به باور های یک جامعه خاص تبدیل شده و به صفت تابو عرض اندام کرده است.

در نتیجه این تابو ها که ریشه های هیچ و پوچ داشته سبب قیود و رنجهای بی شمار بشریت شده است ، و البته این هم قابل مکت است که بعضی از تابو ها سبب نضج مؤقت و کذابی اجتماعات هم شده اند و سپس افول کرده اند و با انکشاف علم از صفحه هستی عادات آن مردم محو شده اند. چونکه حوادث به ثبوت رسانده که خرد ورزی آرایش ذهن و عمل بوده نه باورهای خرافی و یا آن عنعناتی که ریشه عقلانی نداشته و در باور های دینی و قراءت های مذهبی بدعت خوانده شده.

به باور فلاسفه و علماء تابو در واقع از خرافه و اسطوره و در نهایت از ترس، فقر و ترس از فقر و جهل منشأ گرفته و می گیرد که با تعصبات کور و هم چشمی ها ،سیالی ها و رقابت ها بین افراد، خانواده ها، قوم، قبیله و نژاد در اجتماعات در هم آمیخته و بالاحره در هیکل تابو عمل می کند .

در جوامع امروزی هم همین تعصبات کور، رقابت ها و هم چشمی هاوسیالی ها مشکلات اجتماعی را به اشکال نو آن به وجود می آورد که در حقیقت تابوی جدیدی خلق میشود و این مختص به جوامع بی علم و کم علم و بومی نبوده، در جوامع مدرن هم گاهی به شکل مضحک آن قامت می افرازد. از همینجاست که در دین اسلام که آخرین دین تکامل یافته است، به علم آموزی تاکید و به مرد و زن توصیه و امر شده و لو در چین (راه دور) باشد. مراد از علم تنها علم ادیان نیست، بلکه علم ابدان که همان علم روز و عصری میباشد نیز است، که برای حصول زندگی بهتر و در نتیجه رهائی از فقر و جهل میباشد. همان طور گفتیم که ظهور، نشر و قوام خرافه و تابو از جهل، ترس و فقر است ، ویل اریل دورانت در یکی از آثار خود می گوید :

آیا مردم به سبب جهل فقیر اند و یا به اثر فقر جاهل اند ؟ این پرسش باعث اختلاف نظر متفکران اجتماعی و سیاسی شده است ، زیرا گروهی که محافظه کار اند ، توارث و اختلافات ذاتی ظرفیت فکری را مهم میدانند و گروه دیگر که اصلاح طلب اند، محیط یعنی تاثیر تربیت و فرصت را مؤثر می شمرند . در جوامع به نسبت افزایش و توزیع ثروت ، علم و دانش ترقی و توسعه پیدا می کند و خرافات رو به تنزل می نهد ، با وجود این حتی در کشور بسیار مترقی و مخصوصاً در میان مردم که در پایین ترین سطح اقتصادی به سر می برند و یا طبقه ثروتمند تنبل آن ، انبوهی از خرافات وجود دارد، مانند طالع بینی ، کف بینی، فال ، چشم بد ، جادوگری ، اعتقاد به دیو و ارواح خبیثه و پلید، ورد خوانی، تعزیم ، تعبیر خواب ، غیب گوئی ، معجزات حقه بازی و اعتقاد به خاصیت های نهانی و نفع و ضرر سنگ ها ، گیاهان ، جانوران ، پرندگان ، خزندگان و . . . وجود دارد .

در این صورت ملاحظه می کنید در جامعه که ثروت آن کم و یا در دست عده معدودی قرار دارد (چنانکه در جامعه امروزی افغانستان جمع ثروت را در دست معدودی از زورمندان ، دولتمداران فاسد ، بازرگانان حریص و مافیامنش ، و مافیای بین المللی و داخلی، غاصبین زمین و بزورگیران ثروت های زیر زمین و جنگلات مخصوصاً در این ده سال اخیر به وضاحت و رسوائی می بینیم نویسنده) چگونه جهل خرافات ، موهوم پسندی ، و تابو آفرینی ریشه های علم را مسموم و گل های عدالت را پژمرده می کند. به بینش کسانی که از نظر و دید عقلانی ضعیف اند ، خرافات عامل مفیدی است و روز های خسته کننده آنها در نتیجه عقاید به عجایب مهیج و خود پسندی ها، خوشترشده و رنج فقر و فاقه آنها با اعتقاد به فال و قدرت جادو و امید های مرموز مؤقتاً تخفیف می یابد .

خواننده عزیز! ما نمونه های زیادی ازین استنتاج علمی و نظری را امروز در جامعه افغانستان می بینیم و درک می کنیم که نمیتوان به همه جزئیات پردازیم تا خواننده را ملال و خستگی نیاید، و از شرح و بسط نظریات علماء و فلاسفه هم می گزیریم، زیرا امروز در نتیجه فن آوری های علمی و تکنالوجی، دیگر مجبور نیستیم سرگردانی بکشیم، آنچه در حد نیاز مطلب می خواهیم در سایت های مربوط و اینترنت یافته می توانیم.

می پردازیم به اصل مطلب که در شعر تحت عنوان (تابو شکنی)

نشر شده در سایت پروزن گفتمان وعده داده بودم.

خرافات یا در سطح جمعی تابو در مراسم برگزاری عروسی ها سخت جا گرفته، بخش اقتصادی و مالی آنرا پول های مافیایی و از آسمان ریخته و باد آورده جدا صدمه زده و به یک مشکل بزرگ مبدل ساخته، تا جائیکه محفل های عروسی در تالار های جدیداً ساخته شده در محضر و دعوت تا سه و چهار هزار مدعوین برپا می شود و مهر که فریضه قرآنی است، تا یک و دو ملیون دالر تعیین شده است، در حالیکه همه میدانیم که این غیر عملی و بادبادک است، آیا این بی توجهی به آیات مقدس قرآنی نیست؟؟

ولا تتخذوا آیات الله هزوا البقره 231

آیات الله را به استهزا نه گیرید

مهر به قرار عقد یک حق بلامنازع است و باید زوج پردازد مگر اینکه زوجه این حق قرآنی خود را به شوهرش با رضای کامل خود ببخشد و الا زوج مدیون باقی میماند و این جای مزاح و مسخره نیست.

جوانانیکه تازه از تحصیلات خود فارغ می شوند ، با معاش خود چطور
میتوانند حتی از کمترین این گونه مصارف و مراسم بدر آیند ؟

ناچار اند در بهار حیات اجتماعی خویش به اعمال غیر قانونی مانند
رشوه ، اختلاس ، قاچاق ، تجارت مواد مخدر ، سرقت و غیره دست بزنند
و یا اینکه سال ها طول بکشد و یا از ازدواج و تشکیل خانواده صرف
نظر کند و شکست اخلاقی را بپذیرد .

ببینید این رواج خرافاتی جامعه چطور افراد را به فساد می کشاند . آیا
این وظیفه روشنگران جامعه و مکلفیت ملی و رسمی ارگان های دولتی
نیست تا به مبارزه و اقدام قانونی بپردازند ؟

روی این نابسامانی ، اشخاصی قد علم کرده اند و در بین قوم و منطقه خود
بر علیه ناهنجاری ها که در حقیقت همان تابو شکنی است ، به مبارزه
پرداخته اند ، ولی حیف که با وصف فیصله های قومی به نتیجه قناعت
بخش و کلی نرسیده ، از جمله در سال خورشیدی 1389 عده کثیری
از مردم نجیب ولایت بدخشان مقیم کابل بعد از چهار ماه کار بالای پروسه
ساده سازی محافل عروسی و بحث و مشوره ها از جوانب مختلف در
طی تقریباً 35 نشست مشتمل بر نخبه هاوموی سفیدان قوم ، استادان ،
علماء ، تجار ، محصلین و سایر اقشار سرانجام کنفرانسی را به تاریخ
12 حمل 1389 در تالار کلتوری وزارت فرهنگ در چمن حضوری
کابل به اشتراک نزدیک به ششصد تن دایر نمودند که بعد از ایراد
سخنرانی ها ، مذاکره و مشوره فیصله نامه یا میثاقی را به اتفاق آراء به
امضاء رسانیدند (لست آن امضا ها و اسناد نزد کمیته مربوط موجود است
) که بعد از آن محافل عروسی ها را به صورت ساده و کم خرج منعقد
ساخته ، از مصارف افراطی و اصراف جلوگیری می نمایند ، و طبق ماده

11 آن میثاق اشخاص متمول همبه تعمیل حدود آن جداً مکلف بوده اند تا سبب همچشمی ، سیالیو تقلید سایرین نشده و جوانان به این حق طبیعی ، انسانی و شرعی خویش به آسانی دست یابند و در حقیقت تابوی نا هنجارشکستنده شود و در نتیجه جلو بسیاری از مفاسد گرفته شود .

با دریغ و درد که آن تعهدات در برابر میثاق عالی قومی از جانب عده ای نقض شد " همان آش و همان کاسه " فیصله نامه مذکور به شماره 1767 مورخ 21 ثور 1389 در روز نامه ارمان ملی، پامیر مجاهد و رسانه های دیگر و سایت های الکترونیکی مانند آریایی خاوران ، خاورزمین ، روزگار و غیره نشر شده است .

با نقض و بی اعتنائی این میثاق ، اشخاص ذیعلاقه در صدد این شدند تا جهت بهتر شدن این عمل و تقویۀ آن ، قانونی به وجود بیاید طوریکه در یک تعداد کشور ها و خصوصاً کشورهای همسایه مانند تاجیکستان ، ایران و . . . درین زمینه قانون وجود دارد و تشکیلاتی هم به صورت فرا گیر به نام ازدواج آسان ، در این امر تسهیلات فراهم می کند . بنا بران مسوده این قانون تحت نام (قانون برگزاری مراسم عروسی) از جانب وزارت عدلیه تهیه و به مجلس وزیران فرستاده شد . مجلس وزیران آنرا به خاطر تدقیق و اصلاحات به یک کمیته محول نموده و اضافه از هجده ماه است

که مسوده مذکور بی سرنوشت بوده و در هاله ابهام قرار دارد ، و وزارت عدلیه هم از سرنوشت آن هیچگونه معلومات و نشانی داده نمیتواند.

مردم می گویند ، چون جناب کرزی رئیس جمهور ، جبون و سخت مصلحت گراست و کثیراً منفعت عامه را قربان مصلحت گرائی کرده است در این مورد تحت تاثیر زورمندان قرار گرفته به همین بهانه آنرا از مجلس وزیران خارج کرد (اگر تغییرات و اصلاحاتی لازم داشت و باید هم میداشت در این مدت باید انجام می شد) زیرا تالار های عروسی که هر کدام ظرفیت خود را حتا تا چهار و پنج هزار نفر اعلان می کند از طرف همین زورمندان ساخته شده و ایشان در مسوده قانون در قبول مدعوئین حد اکثر تا سه صد نفر مقید شده اند و از تحمیل مصارف دیگر به نام های مختلف منع شده و در صورت تخلف به جرایم نقدی ، انسداد مؤقت فعالیت و در صورت دوام نافرمانی به سلب جواز فعالیت مواجه خواهند شد .

تقاضای مردم از هر قوم و منطقه از شهروندان نجیب افغانستان از ارکان دولت این است که باید توسط قانون و لایحه ، این ناهنجاریها مسدود و ممنوع گردد.

به امید روزی که خرد ورزی بر خرافات پسندی غالب گردد
و مردمدانشمند و نجیب ما تابو هارا بشکنانند و دیگر نوسازی در آفرینش
خرافات و تابو نباشد .

م.ش . فـ ر و غ

در هم صدائی با این نوشته ، بازخوانی خواننده گرامی را به شعر تابو منتشره سایت
پر وزن گفتمان آرزومندم .